بسم الله الرحمن الرحیم

# 1.مقدمه

هرکشور و ملتی که دارای تکثر در اعتقادات و فرهنگ باشد به صورت طبیعی نیز تضادهایی در میان آنها بوجود می‌آید که باعث اختلافاتی نیز خواهد شد. مانند اختلافات مذهبی در کشور هند که باعث خون ریزی های گسترده ای تا الان شده است یا اختلافات قومیتی که میان کشور آذربایجان و ارمنستان وجود داشته است.(ارمنستان متشکل از کردهای ارامنه هستند)

کشور ایران که شکل گرفته از قومیت ها و مذهب های گوناگون میباشد از این قاعده مستثنی نیست. یعنی آنکه به سبب تکثر قومیت و مذهب ظرفیت درگیری وجود دارد لکن اقوام و مذاهب ایرانی سالیان درازی با آرامش و لطافت در کنار یکدیگر زندگی کرده و باهم مراودات و همراهی داشتند.

# 2.بخش اول: اختلافات قومی و مذهبی در ایران پسا انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی که با شعار استقلال، آز ادی و جمهوری اسلامی روی کار آمد در مواضع اولیه تمامی مذاهب و قومیت هارا به رسمیت شناخت و تمامی این اجزاء را در انتخاب سرنوشت برای خود ذیل پرچم ایران شریک قرار داد. لکن برخلاف این سیاست های وحدت گرایانه بلافاصله شاهد درگیری های قومیت های گوناگون در استان مرزی بودیم.

درگیری هایی در مناطق ذیل شکل گرفت که باعث کشتار و آسیب های گسترده شد:

|  |  |
| --- | --- |
| استان سیستان و بلوچستان (جنوب شرقی) | با رهبری حزب خلق بلوچ |
| استان مازندران و گلستان (شمال کشور | گروه های حزب خلق ترکمن؛ |
| استان آذربایجان( شمال غربی کشور) | گروه حزب خلق مسلمان |
| استان کردستان و ایلام( غرب کشور) | گروه های کوموله و دموکرات |
| خوزستان (جنوب غربی) | گروه حزب خلق عرب |

اگر با نگاه سطحی به این حوادث بنگریم، این اختلافات را یا باید ناشی درگیری های طبیعی میان قومیت ها بدانیم یا ناشی از محرومیت بوجود آمده در پسا انقلاب اسلامی که ما در اینجا با استدلال این دو نگاه را رد میکنیم:

1.درگیری های بوجود آمده در این مناطق نه با قومیت دیگر(برای مثال: درگیری کردها و ترک ها) بلکه درگیری با مرکزیت جهت ایجاد خودمختاری بوده است.

2.اسناد تاریخی نشان میدهد که مرکز گرایی شدید حکومت پهلوی باعث عقب ماندگی در پیشرفت استان های مرزی شد و پس از انقلاب موج امیدی بوجود آمد که این استان های کم برخورد رو به پیشرفت و آبادانی بروند.

# 3.بخش دوم: انتشار اندیشه های ناسیونالیستی(محلی گرایی) و تجهیز نظامی گروه های مسلح تجزیه طلب توسط دشمنان ایران

همانطور که گفتیم علت آشفتگی های منطقه ای در ایران پس از انقلاب اسلامی نه به واسطه محرومیت و تضادهای فرهنگی و اعتقادی بلکه ناشی از عامل دیگری بود که خودرا در جنگ با مرکزیت نظام و تلاش برای خودمختاری نشان داد. انتشار تفکرات ناسیونالیستی(محلی گرایی) و تجهیز مسلحانه گروه های تجزیه طلب توسط آمریکا و هم پیمانانش عاملی بود که تا سالهای سال این مناطق را غرق در آشوب کرد. شهادت هزاران مدافع امنیت، مردم و نابودی زیرساخت های آن استان ها آسیب هایی بود که بر این مناطق وارد شد.

جمهوری اسلامی که دست بیگانگان را پس از صد سال، از منابع طبیعی و اراضی استراتژیک ایران کوتاه کرد، باعث خشم کشورهای استعمارگر شده و آن کشورها در صدد تضعیف و نابودی این نظام برآمدند. برای نیل به این هدف تاکتیک های مختلفی را به کار بردند:

* ترور سران: شهادت رهبران فکری و سیاسی و نظامی نظام جمهوری اسلامی
* کودتا: کودتای نوژه، کودتای قطب زاده جهت ترور امام خمینی
* جنگ مستقیم: حمله حزب بعث به ایران و بوجود آمدن 8 سال دفاع مقدس
* جنگ داخلی: درگیری قومیت ها با مرکزیت نظام اسلامی

«بنابراین عامل اصلی این بحران ها، دشمنان این ملت یعنی ایالت متحده آمریکا و به صورت کلی محور غربی بوده است.» که تجزیه ایران باعث تضعیف نظام و از هم پاشیدگی کشور ایران شود تا به سهولت بتوانند به منافع خودشان برسند. اثبات این ادعا را در بخش بعدی ارائه خواهیم داد.

# 4.بخش سوم: استفاده از سناریوی تجزیه برای تضعیف حکومت ها

با نگاهی به تاریخچه جنایت کشور های استعمارگر در دهه های اخیر علیه کشورهای هدف برای کسب منافع به یک راهبرد مشترک میرسیم که «بالکانیزیسیون» می‌باشد. یعنی تجزیه کشورها با استفاده از گسل های قومی و مذهبی. مانند آنچه در سوریه، عراق، سودان و دیگر کشورها بوقوع پیوست.

در سوریه آشوب ها در مرحله‌ی ابتدایی برای تجزیه کشور بود که به وسیله‌ی استفاده از اختلافات مذهبی و گسترش تفکرات تکفیری و سلفی آغاز شد و در نتیجه با تداوم آن بحران داعش شکل گرفت. در گیری ها از شهر درعا(شهر مرزی) به وسیله حمله دو تروریست خارجی از مناره های مسجد به نماز جمعه آغاز شد. کسانی که کار امنیتی یا مطالعات اطلاعاتی دارند در تبیین سیر جنبش ها میگویند اساسا شورش یا انقلابی که از کنار مرز شروع شود، عامل داخلی علت آن نیست. علت آن را باید در آن سوی مرز جست و جو کرد. بلافاصله با شکل گیری داعش در این کشور شاهد حمایت ایالت متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی از این گروه جنایتکار بودیم که سعی بر سرنگونی دولت اسد داشتند.

و نقش آمریکا را میشود در حمایت از گروه های کرد (قسد) در سوریه مشاهده کرد که از دوران حافظ اسد آغاز و تا همین الان وجود داردکه نتیجه آن اقدامات تجزیه طلبانه این گروه شده است. مانند این اتفاق را میشود در عراق نیز مشاهده کرد. با نگاهی به تاریخ میبینیم که چگونه تقویت لجتسیک گروه های کُرد در سلیمانیه، کرکوک و اربیل توسط آمریکا و اسرائیل در زمانی که حکومت صدام در عراق برقرار بود و صدام پس از حمله به کویت به تله جنگ آمریکا افتاد باعث شد که حکومت صدام تضعیف شود و در زمان کنونی شاهد منطقه ای خودمختار در عراق هستیم به نام اقلیم کردستان. که در حال حاضر تبدیل به حیات خلوت آمریکا برای استخراج نفت و اسرائیل جهت استفاده اطلاعاتی و نظامی علیه ایران شده است.

در سودان نیز آمریکا و اسرائیل در تلاش بودند که این کشور دارای ویژگی های مهم استراتژیک را به دست بیاورند. این عوامل با استفاده از گسل های قومیتی در سودان باعث ایجاد تنش های منطقه ای شدند که نمونه آن بحران دارفور میباشد که هم عوارض آن را در حال حاضر میشود در سودان مشاهده کرد و اینکه این تجزیه باعث نفوذ گسترده آمریکا و اسرائیل در سودان شد.

با نگاهی به این اتفاقات میشود به این گزاره رسید که «بهترین راه برای تضعیف حکومت ها توسط آمریکا، تجزیه ارضی آن کشور یا همان بالکانیزسیون است» و ایران نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. و اثبات دست داشتن آمریکا در اقدامات تجزیه طلبانه در اول انقلاب اسلامی را میشود با عملکرد آنها در سالهای پس از آن مشاهده کرد.

# 5.بخش چهارم: تجزیه ایران برای تضعیف جمهوری اسلامی

نمیشود تلاش های تجزیه طلبانه در ایران را محدود در اتفاقات دهه60 بدانیم و چشم هایمان را بر وقایع سالهای اخیر و اهدافی که دشمن دارد ببندیم. بقایای گروهک های تجزیه طلب همچنان در همان مناطق و کشورهای همسایه وجود دارند و خطر آن، تمامیت ارضی کشورمان را تهدید میکند. با نگاهی به حوادث اخیر (اغتشاشات دی ماه) در استان های کرمانشاه، ایلام، سیستان و بلوچستان میشود تلاش های تجزیه طلبانه را مشاهده کرد.

آن چیزی که باعث شکست اهداف گروه های تجزیه طلب در دهه ۶۰ شد عدم همراهی مردم با آنها بود؛ اما اینبار اقدامات تجزیه طلبانه، فقط با رویکرد محلی گرایی( ناسیونالیستی) و اقدامات نظامی نمی‌باشد بلکه در تلاش اند با عملیات روانی و جنگ شناختی، مردم را با خود همراه کنند.

انتشار روایت «مرکز گرایی و تبعیض جغرافیایی» در نظام مقدس جمهوری اسلامی در کنار مشکلات عینی و معیشتی که در تمام کشور وجود دارد با هدف این است که مردم وارد دایره این آشوب ها شوند که نقش تسریعی در تجزیه کشور ایفا کنند.

راه مقابله با این عملیات روانی، ترویج گفتمان وحدت ملی از طریق رسانه ها و برنامه های فرهنگی با اقدامات زیر است:

۱. پخش و انتشار شعارها، سرودها و موسیقی هایی با مضامینی ملی

۲.تبیین جنایات گروهک های تجزیه طلب ناظر به آن استان(کوموله، دموکرات، جیش العدل، انصارالفرقان، جندالله و...)

۳.تبیین عوارض تجزیه طلبی در دیگر کشورها(بالاخص سودان)